

جنایت علیه بشریت در فلسطین با حمایت امریکا

نویسنده: فرانسیس آنتونی بویل

مترجم: سید هادی هرندی

چکیده

نویسنده این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی حقوقی جایگاه جرم نسل کشی در قراردادهای بین‌المللی و منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد، شدت وقاحت صهیونیست‌ها را در ارتکاب این جنایات در فلسطین اشغالی تبیین کند. وی همچنین با اشاره به خاستگاه معاهده نسل کشی موجود در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و نقش ایالات متحده در پیشنهاد این مواد قانونی برای محاکمه سران آلمان نازی و سپس تصویب جهانی آن، به خوبی توانسته است زشتی حمایت ایالات متحده و هم‌پیمانانش در حمایت از نسل کشی رژیم اشغال‌گر اسرائیل علیه فلسطینیان و برخورد دوگانه امریکا نسبت به کنوانسیون‌های بین‌المللی را نمایان سازد. کلیدواژگان: جرم نسل کشی، حق بشر، سازمان ملل، شورای حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر.

در واکنش به اقدامات تحریک‌آمیز اسرائیل نسبت به انتفاضه مسجدالاقصی در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۰، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (که هم‌اکنون به شورای حقوق بشر ارتقا یافته است)، اسرائیل را به سبب جنایت‌های جنگی و نیز جنایت بر ضد بشریت علیه فلسطینیان که بعضی از آنها، مسیحی و بیشترشان، مسلمان هستند، محکوم کرد.

در این جلسه ویژه کمیسیون حقوق بشر که بر اساس منشور سازمان ملل متحد برگزار شد، بازدید تحریک‌آمیز ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ آریل شارون از حرم شریف قدس که به وقایع دل‌خراش قدس شرقی و دیگر سرزمین‌های اشغالی فلسطینیان انجامید و تلفات جانی بسیاری برای فلسطین در پی داشت، محکوم گردید. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد اظهار داشت: این کمیسیون به شدت نگران انواع گوناگون خشونت‌های اعمال شده از سوی اسرائیلیان است که شامل «جنایات جنگی، خشونت‌های آشکار بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر و جنایت علیه بشریت» می‌شود.

در بند اول قطع‌نامه ۱۹ اکتبر ۲۰۰۰ آمده است:

کمیسیون حقوق بشر، خشونت‌های نامتناسب و دایمی را که نیروهای اشغالگر اسرائیلی در مقابل افراد بی‌پناه و بی‌سلاح فلسطینی اعم از کودکان و دیگران در سرزمین‌های اشغالی اعمال می‌کنند، به عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت و بر اساس قوانین بین‌المللی به شدت محکوم می‌کند. همچنین در بند پنجم این قطع‌نامه، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تأکید می‌کند: «کشتار از پیش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته شهروندان و کودکان به دست اسرائیلیان اشغالگر، خشونت و قیحانه‌ای است که جنایت علیه بشریت را شکل می‌دهد...»

بند ۶۸ منشور ملل متحد به صراحت، اقدام کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل را برای اعتدای حقوق بشر ضروری می‌داند. البته مخاطبان این مقاله یک برداشت کلی از عبارت جنایت جنگی دارند و من در این مجال قصد ورود به این مقوله را ندارم. با این حال، وقاحت در جنایات جنگی نیز درجاتی دارد. به طور ویژه، جدی‌ترین موارد جنایات جنگی را «نقض سنگین» کنوانسیون چهارم نسل‌کشی می‌نامند. از زمان آغاز انتفاضه اول در ۱۹۸۷، جهان هر روزه شاهد جنایات و قیحانه جنگی از جانب اسرائیلی‌ها و علیه مردم فلسطین در فلسطین اشغالی است. یک نمونه، کشتار عمدی شهروندان فلسطینی به وسیله نظامیان و تروریست‌های شبه‌نظامی مهاجر اسرائیلی است. این موارد («نقض سخت» کنوانسیون چهارم نسل‌کشی به دست اسرائیل)، قرار تعقیب بین‌المللی مجرمان و فرماندهان آنان را به همراه دارد؛ چه نظامی باشند و چه غیر نظامی؛ به ویژه سران سیاسی اسرائیل. جنایت علیه بشریت

اکنون اجازه دهید به برخی موارد جنایت علیه بشریت اشاره کنم که اسرائیل در قبال فلسطینیان انجام داده و بر اساس الزامات منشور ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل حکم آن را صادر کرده است. اصولاً «جنایت علیه بشریت» چیست؟

این مفهوم به دادگاه جنایات جنگی نورنبرگ باز می‌گردد که در سال ۱۹۴۵ برای محاکمه جنایت‌کاران جنگی آلمان نازی برپا شد. در این دادگاه که پیش‌نویس آن را دولت ایالات متحده ارائه کرد، نوع ویژه‌ای از دادرسی برای محاکمه جنایات نازی‌ها علیه یهودیان ابداع و اجرا شد. نمونه برجسته جنایت علیه بشریت، رفتار هیتلر و حزب نازی در قبال یهودیان است. این همان خاستگاه عینی مفهوم «جنایت علیه بشریت» است و همین رفتار است که کمیسیون (شورای) حقوق بشر سازمان ملل معتقد است اسرائیلیان علیه فلسطینیان مرتکب می‌شوند: «جنایت علیه بشریت».

آنچه هیتلر و نازی‌ها انجام دادند، آن قدر وحشتناک بود که ایجاد یک معاهده بین‌المللی برای جهانی‌سازی مفهوم جنایت علیه بشریت را که در دادگاه نورنبرگ مطرح شد، اجتناب ناپذیر می‌ساخت. سرانجام این معاهده در سال ۱۹۴۸ و به عنوان کنوانسیون (عهدنامه) نسل‌کشی شکل گرفت. در بند ۲ کنوانسیون نسل‌کشی سازمان ملل، جرم بین‌المللی قتل عام در بخش مربوط در قالب قوانین حقوقی بیان شده است. [رفتار اسرائیلی‌ها] کاملاً شبیه رفتار هیتلر و نازی‌ها در قبال یهودیان است. این مفهوم اعلامیه رسمی کمیسیون (شورای) حقوق بشر است که می‌گوید اسرائیل در مقابل فلسطینیان مرتکب جنایت علیه بشریت شده است.

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل این عبارت حقوقی شناخته شده و اصیل را با دقت و آگاهی تمام و بر اساس شواهد و مدارک جمع آوری شده، برگزیده است. به علاوه «جنایت علیه بشریت» نورنبرگ مبنای تاریخی و حقوقی جرم قتل عام است که در کنوانسیون نسل کشی در ۱۹۴۸ آمده است و از این قرار است: «قتل عام به معنای آن است که هر کدام از موارد ذیل به منظور نابود کردن کامل یا بخشی از یک ملت، نژاد، قبیله یا گروه مذهبی و به صورت عمدی انجام گیرد: ۱. کشتن افراد گروه.

۲. وارد کردن آسیب جدی بدنی یا روانی به افراد یک گروه. ۳. وارد کردن آسیب عمدی و برنامه ریزی شده برای از بین بردن و یا تخریب فیزیکی محیط زیست یک گروه.» آن گونه که «ایلان پپ» در کتاب پاک سازی نژادی در فلسطین (۲۰۰۶) در مورد تاریخ اسراییل اثبات می کند، اسراییل سیاست قتل عام فلسطینیان را همواره و بدون وقفه حتی پیش از تشکیل رژیم اسراییل در ۱۹۴۸ در دست برنامه ریزی، اجرا و گسترش داشته است. آن گونه که این کتاب در صدد بیان آن است، هم اکنون نیز این سیاست در قبال ۱/۶ میلیون فلسطینی ساکن غزه ادامه داشته و حتی تشدید شده است. آن گونه که پپ برآورد می کند، «راه حل نهایی صهیونیسم» برای حل مسئله بحران جمعیتی رژیم نژادپرست اسراییل که به وجود فلسطینیان وابسته است، همواره قتل عام بوده است، چه به صورت تدریجی و چه در صورت خشونت های در حقیقت ماهیت صهیونیسم به پاک سازی قومی وابسته است و این رژیم فلسطینیان را مورد قتل عام قرار می دهد.

در مورد قتل عام فلسطینیان در سال ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ در غزه که آن را عملیات «کست لید» نام نهادند، باید دانست که رییس مجمع عمومی سازمان ملل آن را به عنوان قتل عام محکوم کرد. قطعاً دست اسراییل و پایه گزاران آن (آژانس های صهیونیستی، نیروها و گروه های تروریستی (در قتل عام فلسطینیان آلوده است. این قتل عام ها که از حدود ۱۹۴۸ آغاز شده است، تا به امروز با سرعت فزاینده ای در زمینه های یاد شده در بندهای ۱، ۲ و ۳ (همه انواع دکر شده از قتل عام) در تعریف جنایت جنگی در کنوانسیون نسل کشی به پیش می رود.

بیش از شش دهه است که اسراییل و حامیان و پایه گزارانش (آژانس های صهیونیستی، نیروها و گروه های تروریستی (بی هیچ هراسی در یک تهاجم همه جانبه نظامی، سیاسی و اقتصادی سازمان دهی شده به قصد انهدام کامل ملی، نژادی و مذهبی (یهودیان علیه مسلمانان و مسیحیان) علیه فلسطینیان به سر می برند. رفتار این اتحاد صهیونیستی - اسراییلی شامل کشتار افراد فلسطینی است که با قسمت اول از تعریف ارایه شده در بند دوم از کنوانسیون نسل کشی منطبق است. همچنین این اتحاد صهیونیستی - اسراییلی موجب وارد آمدن آسیب های بدنی و روانی جدی به فلسطینیان شده است که مشمول بند دوم از تعریف جنایت جنگی می شود. به علاوه، این اتحاد، زیرساخت های حیاتی فلسطینیان را نیز به صورت عمدی تخریب کرده است که شامل بند سوم

از تعریف جنایت جنگی در کنوانسیون جنایات جنگی می‌شود. فصل اول کنوانسیون جنایات جنگی، همه اعضای امضاکننده از جمله ایالات متحده را ملزم به اقدامات پیش‌گیرانه و تنبیه جنایت‌کار می‌کند. در مقابل، دولت یهودی متخلف که این جنایات را در قبال فلسطینیان مرتکب می‌شود، مشخصاً از سوی دولت مسیحی ایالت متحده حمایت مالی و نظامی، تجهیز و پشتیبانی می‌شود و در حوزه سیاسی نیز حمایت می‌گردد. این در حالی است که ایالات متحده، هم در دادگاه نورنبرگ و هم در کنوانسیون جنایات جنگی، یکی از اصلی‌ترین حامیان این قوانین بوده است، همان‌گونه که در تدوین منشور سازمان ملل نقش اساسی ایفا کرده است. با این حال، این موارد روشن حقوقی و جنایت در حق فلسطینیان) که به حق، مظلوم‌ترین مردم کره زمین هستند (هنگامی که درباره رژیم صهیونیستی اسرائیل و شرکای مجرمش که از حمایت بی‌قید و شرط آنان برخوردار است، مطرح می‌شود، هیچ واکنشی از سوی ایالات متحده در بر ندارد. جامعه جهانی حتی یک کلمه از ایالات متحده و هم‌پیمانانش در پیمان آتلانتیک شمالی مبنی بر دخالت بشردوستانه در مقابل رژیم صهیونیستی اسرائیل و در دفاع از ملت فلسطین نشنیده است. آنها مسئولیت دفاع از فلسطینیان را به کناری نهاده‌اند. امریکا، هم‌پیمانانش در ناتو و صاحبان قدرت در شورای امنیت سازمان ملل حتی یک گروه ناظر بر اساس بند ششم از منشور ملل متحد برای حفاظت از فلسطینیان اعزام نمی‌کنند. آنان حتی به اجرای بند هفتم از منشور ملل متحد مبنی بر اعمال فشار به اسرائیل، فکر هم نمی‌کنند. این در حالی است که اسرائیل شرایط لازم را برای مداخله بین‌المللی و اجرای این بندها در کارنامه خود دارد. دکتترین «دخالت بشردوستانه» و «مسئولیت دفاع» آن در حال حاضر به گونه‌ای دگرگون شده آماده است تا مانند یک شوخی بی‌مزه هر جا منافع امریکا ایجاب کند، وارد عمل شود و هرگاه بحث پیش‌گیری از جنایات سازمان‌دهی شده و رو به افزایش رژیم صهیونیستی اسرائیل مطرح شود، با فریبی ابلهانه کنار گذاشته شود. دولت، کنگره، رسانه‌ها و مالیات‌دهندگان امریکایی به جای مهار کردن رژیم صهیونیستی اسرائیل که با اعمال محدودیت‌های اقتصادی امکان‌پذیر است، سالانه، چهار میلیارد دلار برای حمایت از رژیم یهودی اسرائیل هزینه می‌کنند. بدون چنین بخششی به این نماد نسل‌کشی، ادامه این جنایات‌ها امکان‌پذیر نیست. اصولاً اسرائیل بدون امریکا چیزی بیش از یک دولت ورشکسته نخواهد بود. در دنیای امروز، قتل عام تا زمانی که با نظر امریکایی‌ها و هم‌پیمانانشان در ناتو یا به دست هم‌پیمان عزیز مثل اسرائیل انجام گیرد، عملی مجاز و قانونی است. تا زمانی که اوپاما و همراهان وی در عرصه سیاست) چه نولیبرال - دموکرات‌ها و چه نومحافظه‌کاران جمهوری خواه (قدرت را در دست دارند، هیچ تغییر اساسی در رفتار حمایت‌آمیز امریکا از سیاست دنباله‌دار نسل‌کشی اتحاد صهیونیستی - اسرائیلی علیه فلسطینیان پیش نخواهد آمد. (سگ زرد، برادر شغال است). آنچه امروز جهان شاهد آن است، یک دوگانگی دیگر است که در آن، نوعی «مداخله ضد بشری» یا «براندازی انسانی» به وسیله امریکا و اسرائیل علیه فلسطین و فلسطینیان و تحت حمایت ناتو صورت می‌گیرد. این در حالی است که هم‌زمان و با هدف تسلط بر کشورها، این شخصیت‌های بزدل و ریاکار شعار مداخله بشردوستانه در لیبی را مطرح کردند. هم‌اکنون نیز در مورد سوریه و شاید به زودی در مورد ایران مطرح کنند.

همان‌طور که این جمله بسیار زیرکانه در فصل XVIII از این کتاب به نقل از ماکیاول آمده است: «...کسی که می‌خواهد فریب بدهد، همواره به دنبال کسانی است که دوست دارند فریب بخورند.» به دلیل وجود چنین تناقض‌هایی، این استاد حقوق در مقابل دکترین «مداخله بشردوستانه» و تغییر شکل امپریالیستی آن به عنوان فریب‌کارانه «مسئولیت حفاظت (از مظلومان)» موضع‌گیری کرده است.

۱. The United States Promotes Israeli Genocide against the Palestinians, Global Research, January 26, 2013. Source: <http://www.globalresearch.ca/the-united-states-promotes-israeli-genocide-against-the-palestinians-2/53205592>. Francis A. Boyle (متولد ۱۹۵۰): استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه ایلی‌نویز است. او در سال ۱۹۷۱ از دانشگاه شیکاگو در رشته علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شد. سپس کارشناسی ارشد خود را با درجه عالی از دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد دریافت کرد و سرانجام موفق شد دوره دکتری خود را در رشته علوم سیاسی در دانشگاه هاروارد با موفقیت به پایان برساند. ۳. کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی **4. Brockmann** (shadibin@gmail.com). **Miguel d'Escot:** وزیر خارجه نیکاراگوئه در زمان ریاست ریگان برضد تروریسم سازمان ملل و هم‌زمان با تهاجم به کشور متبوعش.